

# افتخارات فراموش شده و مقایسه‌های ناعادلانه

محسن قانع بصیری



آن از طریق همین پیشروی در دریا ساخته شده است!! حتی اندک بی‌نظری هم کفایت تا نشان دهد این سازمان آن قدر که برای پروژه‌های دیگران دل می‌سوزاند به این طرح ملی توجهی ندارد. آیا انجام چنین اقداماتی بدان معنی نیست که نظام تکنوکراسی و فنی کشور که خود در زیر بار فشار شرایط محدود کننده مالی، فنی و اقتصادی-سیاسی گرفتار آمده، باز هم به ناچار باید فشار بیشتری را تحمل کند؟ در شرایطی که شرکتی چون گل شرق، بار این این مسئولیت را یک تنه به دوش می‌کشد تا بتواند چنین پروژه جهانی را با اتکا به نیروهای ملی و معنوی داخلی به انجام رساند، چرا باید اقداماتی انجام داد که طرح مذکور به شکست فرجام یابد؟ تا دگربار زمینه برای محرومیت نیروهای داخلی از طریق نقش‌گذاری رقبای خارجی‌شان فراهم شود. سازمان منطقه آزاد کیش چه خواهد و چه نخواهد وارد ماجرای شده است که به جای حل آن فرجامی جز نومی‌دی نیروهای داخلی نخواهد داشت، ضمن آن که بیشتر از قبل مانع ایجاد و تحرک سرمایه‌هایی خواهد شد که مشتاق به تحرک بیشتر در داخل کشورند. در نهایت پیشنهاد می‌نمایم این سازمان به جای این مقایسه ناعادلانه و تحقیر کننده مقایسه‌های میان وجدان و نقش عملی خود در این پروژه بنماید و سعی کند به حقایق بیش از این جملات تبلیغاتی تحقیر کننده اهمیت دهد.

نه تنها کشور را از این پروژه بزرگ ملی محروم سازند بلکه می‌خواهند تجربیات و زحمات شبانه‌روزی متخصصین داخلی کشور را با اقدامات کسانی مقایسه کنند که تمامی قدرت‌های سرمایه جهانی و نیروی اجرایی آن را در ید و پشتیبان خود دارند؟ آیا چنین مقایسه‌ای که همراه با محرومیت‌های بسیار است. مدیران سازمان گل شرق را در موقعیت غیرعادلانه و مظلومانه قرار نداده است؟ سازمانی که حتی نتوانست یک زمین ساده را به مدت شش سال خالی از معارضین خود کرده و در اختیار گل شرق قرار دهد. سازمانی که علی‌رغم تعهدات خود عمدا شرکت گل شرق را از منابع مالی لازم داخلی خود برای اجرای این پروژه محروم کرد (و از امضای بیانیه سه جانبه وام ذخیره ارزی سرباز زد) آن هم در حالی که پروژه گل شرق به تعهدات خود برای ورود سرمایه خارجی تا زمان طبیعی خود کاملاً وفادار ماند، چگونه به خود اجازه می‌دهد شرکت گل شرق را با یک مجموعه از پشتیبانان اجرایی و مالی قدرت‌مند جهانی مقایسه کند؟ زمانی که همین سازمان اسناد و مدارک مربوط به اندازه زمین و نقشه‌های اجرایی آن را امضا و تأیید کرده است، چگونه در این شرایط به خود اجازه می‌دهد از میزان زمین این طرح بکاهد، آن هم به بهانه محدوده آزاد ساحلی، در شرایطی که بسیاری از بناهای این طرح از طریق پیشروی ساحل به دریا ساخته خواهند شد. از این حیرت‌انگیزتر آن که سازمان مذکور طرح گل شرق را با طرحی در دبی مقایسه می‌کند که تمامی

هنگامی که پروژه گل شرق را مورد مطالعه قرار می‌دهید این پرسش برای شما مطرح می‌شود که چرا سازمان منطقه آزاد کیش علی‌رغم دیگر مسئولین درگیر با این پروژه، سرمخالفت برداشته و می‌خواهد آن را فسخ کند؟ برای پاسخ به این پرسش لازم نیست راه دوری روید، چرا که تنها یک پاسخ بیش ندارد. سازمان کیش می‌خواهد با گل آلود کردن شرایط موجود نقش غیرمسئولانه خود را در فقدان انجام تعهدات خود مات کرده و نادیده بگیرد. این سازمان بر آن است تا تقصیرات را بر دوش گل شرق اندازد. اما اسناد و شواهد موجود آن‌چنان به طور روشن واقعیات را در مورد این سازمان روشن می‌کنند که می‌توانید اثرش را در نوع ادله‌ای که این سازمان برای فسخ قرارداد او عنوان می‌کند پیدا کنید. تنها دلیلی که سازمان کیش می‌آورد تاخیر در اجرای پروژه و مقایسه تحقیر کننده این پروژه را با پروژه نخل دبی است. آیا این اقدامات بدان معنی نیست که سازمان مذکور می‌خواهد ضعف خود را در اجرای تعهدات خود در حجاب قرار داده و بارمسئولیت را بگردن گل شرق اندازد بزرگ نمایی رقیب این پروژه می‌کند آن هم در شرایطی که دست مدیران گل شرق برای اجرای عملی آن دلیل نبودن زمین بلامعارض بسته است! چه معنی می‌دهد؟ آیا سازمان مذکور نمی‌داند که تحقق عملی پروژه گل شرق چه آثاری در منطقه خواهد گذارد؟ در چنین شرایطی آیا مقایسه پروژه گل شرق با نخل دبی تحقیر کننده نیست؟ آیا بدان مفهوم نیست که دست‌هایی می‌خواهند